

احکام ربّوی^۲

از خدا که پنهان نیست از شما چه پنهان، ما هم نه این که آخر ایشار و جهاد و مقابله با امپریالیسم هستیم، گفتیم حالا که این‌طور شد بگذار تا گاو ماهی پیش برویم و دمار از روزگار این اقتصاد کثیف آلوده به ربا در بیاوریم و شماره بعدی را هم به همین موضوع اختصاص بدهیم! (نمی‌دانم چرا یکدفعه یاد آقای همساده کلاه قرمزی افتادم. شاید همذات پنداری خالی‌بندانه بود؟! به هر حال گفتیم اگر مرگی هم هست بگذار در راه همین احکام آشنای دیدار باشد و وعده دیدار ما

تأثیر این مطلب احکام قرار گرفت و حتی بنا بر خبرهای تایید نشده سهام «داوجونز» بورس وال استریت آمریکا به خاطر همین مطلب ما ۸۴۰ واحد سقوط داشته! آقای که شما باشید کار به جایی رسید که در نهایت شخص رئیس بانک جهانی، با ما تماس گرفته و به شدت این مطلب را محکوم کرده و افت شدید ارزش یورو را ناشی از مطلب شماره گذشته مجله دیدار دانست و به جدّ از ما خواست که دست از ادامه طرح این مسائل برداریم.

در شماره قبلی نشریه، در مورد پرونده ویژه «ربا» نکاتی را مطرح کردیم و به این پدیده خطرناک نیم نگاهی انداختیم. به جان عزیز شما در طول همین یک ماه، چنان اقتصاد دنیا تحت تأثیر این مطلب احکام آشنا قرار گرفت که خودمان هم باور نمی‌کردیم. بنابر گزارش منبع نامعتبری (که خواست نامش فاش شود اما ما صلاح ندانستیم) تمامی بورس‌های مهم جهان از بورس‌های شرق آسیا گرفته تا بورس لندن و نیویورک به شدت تحت

می‌تواند درگیر با موضوع ربا باشد اشاره کنیم، زیرا در این موضوعات بحث‌های کلی چندان مفید نیست و تا به طور خاص و مشخص مصادیق بیان نشود مسأله برای افراد جا نمی‌افتد و یا مجال توجیه و فرار برای بسیاری از افراد باقی می‌ماند. در عین حال تأکید می‌کنیم که کلیه مطالبی که گفته می‌شود، فقط در حد طرح مباحث و بیان برخی دیدگاه‌های کلی مراجع در موضوع ربا است، نه ارائه فتوا برای خوانندگان محترم مجله. در نتیجه هر یک از دوستان برای رسیدن به تکلیف دقیق خود در هر یک از این مباحث، لازم است به نظر دقیق مرجع خود مراجعه نموده و از طریق منابع معتبر در خصوص حکم ایشان تحقیق و بررسی لازم را انجام دهد... فردا نگید نگفتید !!

اسمشو نیار خودش و بیار!

یکی از مهمترین مسائل در موضوع خمس، داستان وام‌ها و سودهای بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری است که در مواردی دست‌انواع نزول‌خورهای سنتی و مدرن را از پشت بسته و بعضاً سودی می‌گیرند که «اسحاق نزول خور جهود» از مردم محله سنگلج تهران نمی‌گرفت! هرچند الان مملکت اسلامی شده، اما همواره برای خیلی از افراد این سؤال و دغدغه وجود دارد که اولاً آیا عملکرد بانک‌های دولتی و خصوصی در ایران در گرفتن کارمزدهای کلان و سود باز پرداخت N درصد در مقابل وام‌های گوناگون و یا اعطای سود به سپرده‌های مختلف صحیح است و این وام‌ها یا سپرده‌ها قرض ربوی محسوب نمی‌شوند؟ ثانیاً اگر این‌ها مشروع است، پس چه فرقی بین سودی که بانک‌ها می‌گیرند با سودی که نزول‌خورهای جزء و بدبخت می‌گیرند وجود دارد؟ آیا این تنها نوعی تغییر اسم و عنوان و ظاهرسازی بی‌محتوا و به قول معروف همان داستان «اسمشو نیار و خودش و بیار» نیست؟ اصلاً مگر یک حرام بزرگ که جنگ با خدا خوانده شده، با تغییر چند اسم و عنوان و با چند کلمه این ور و آن ور کردن حلال می‌شود؟

دقت و احتیاط

در جواب سؤال اول باید عرض کنیم از نظر فقهی همان‌گونه که در منابع معتبر فقهی ضوابط و شرایط معاملات حرام و ربوی مطرح شده، ضوابط و شرایط انواع معاملات سودآور حلال و مشروع نیز مانند مضاربه، جعاله، شرکت و بیع سلف و... بیان شده است. به همین جهت صرف سود دادن یا سود

گرفتن از یک وام یا سپرده معیار ربوی بودن آن نیست، بلکه ممکن است این امر نتیجه یک قرارداد صحیح شرعی باشد. مثلاً سودی که بانک‌ها به سپرده‌های گوناگون مشتریان در قبال قرارداد مضاربه می‌دهند، اگر ضوابط دقیق فقهی را مد نظر قرار دهند بلا اشکال است. مثلاً اگر نرخ ثابتی برای سود مشتری در نظر می‌گیرند، لزوماً بر خلاف ضوابط مضاربه نیست؛ بلکه می‌تواند سود علی‌الحساب باشد، مشروط به این که در پایان سال به طور دقیق حساب سود و زیان معاملات بانک از پول مشتریان بشود و نرخ سود قطعی را اعلان و اعمال نمایند. به طور کلی از آن‌جا که همه بانک‌ها در جمهوری اسلامی موظفند براساس قوانین بانکداری اسلامی - که به تصویب فقهای شورای نگهبان رسیده - عمل کنند و قوانین موجود در آن‌ها بر همین اساس تنظیم شده، طبق نظریه‌ای از مراجع، همکاری با بانک‌ها در این زمینه حلال و مشروع است، هر چند برخی از مراجع به دلیل این که معتقدند بانک‌ها و متصدیان مؤسسات مالی این شرایط را به درستی اعمال نمی‌کنند، در این خصوص احتیاط کرده و همکاری با بانک‌ها در این زمینه را جایز نمی‌دانند.

مدعا فهم کن پسر جانا!

اما در خصوص تغییر ماهیت حرام به حلال که مورد شبهه و انتقاد و حتی تمسخر برخی افراد قرار می‌گیرد، باید گفت در همه موضوعات از جمله این مسائل دقیق دینی نباید در دام لفاظی‌ها و مغالطه‌گری‌ها افتاد و به اصطلاح جوگیر شد. بلکه باید با تأمل و دقت به این موضوعات نگرست و پاسخ روشن و دقیق را به دست آورد.

در پاسخ به این گونه افراد می‌گوییم؛ بله... اینجا دقیقاً یک‌سری تغییرات ساده اتفاق افتاده و در مواردی تغییرات، کاملاً ظاهری است و تنها اسم مسأله تغییر کرده، اما همه حرف در همین تغییر اسم و عنوان و رعایت همین ضوابط ساده شرعی است و فاصله حلال و حرام در بسیاری از موارد همین چند کلمه نا قابل است. مگر نه این که زشت‌ترین روابط جنسی که از نظر همه ادیان و ملت‌ها ناپسند و مذموم است، با چند کلمه نا قابل به زیباترین و مقدس‌ترین روابط انسانی تبدیل می‌شود؟ مگر غیر از این

با دوستان دیدار، به قیامت... خلاصه اگر بعد از این ما را ندیدید حلال کنید و بدانید این رباخواران جهانی سر ما را زیر آب کردند!

چی می‌گفتیم؟

در شماره قبل انواع ربا را توضیح داده و برخی موارد رایج در قرض و معامله ربوی را مطرح کردیم و در نهایت مسأله فرار از ربا و استثنائات ربا را برشمردیم. در این شماره تلاش می‌کنیم به طور مصداقی به برخی موضوعات متداول و متعارف اقتصادی که



می‌کنند و به هیچ وجه همان پول اولیه را مطالبه نمی‌کنند. با این فرض این سودهای ۱۰، ۲۰ و حتی ۴۰ درصد چه توجیه شرعی می‌تواند داشته باشد و آیا با این سودها معنایی برای عنوان قرض الحسنه متصور است؟

در پاسخ باید گفت که در این موارد لااقل دو گزینه راهکار وجود دارد؛ گزینه اول آن که این سود می‌تواند تنها به عنوان کارمزد یعنی هزینه‌ای که مجموعه بانک یا نهاد وام دهنده در ساماندهی امر پس انداز و وام دهی تحمل می‌کند، دریافت شود. در این صورت طبق نظر برخی از مراجع این سود اشکال ندارد، مشروط به این شرط که درصد تعیین شده برای کارمزد واقعی باشد، چیزی در حدود ۴ درصد که برخی از مراجع بیان نموده اند و نه بیشتر.

البته اگر وام با سود ۴ درصد دیدید سلام ما را هم به حضرت ایشان برسانید! در نتیجه باید برویم سراغ گزینه دوم و آن این که سود بانک بر اساس یک قرارداد مشخص بین بانک و شخص مراجعه کننده باشد. شاید بهترین شکل این قراردادها، همان قرارداد مشارکت است. یعنی شما برای خرید مسکن به جای آن که ۲۰ میلیون وام از بانک بگیرید، با بانک شریک می‌شوید و بانک مالک بخشی از خانه می‌شود و سپس سهم خود را به قیمت ۳۰ میلیون به شما می‌فروشد و چار دیواری اختیاری؛ آقا منزل نو مبارک!

البته باید دقت داشت که این معامله و مشارکت و خرید مجدد سهم بانک از او، واقعا انجام شود و جنبه صوری و صرف امضاء یک سند مکتوب بدون این که دو طرف از آن آگاه باشند، نداشته باشد.

سپرده بیشتر برای وام‌های چرب‌تر

هرچند به برکت انقلاب اسلامی، سیستم بانکداری در کشورمان تغییر یافته و به وضعیت مطلوب بسیار نزدیک شده، اما هنوز برخی اشکالات جزئی در این سیستم وجود دارد که گوشه‌هایی از کار را خراب می‌کند و علیرغم تذکرات و توصیه‌های اهل فن و بزرگان

است که بزرگ‌ترین معاملات با یک امضاء و یک توافق ساده و بار رد و بدل شدن چند کلمه شکل می‌گیرد و به سرانجام می‌رسد؟

اتفاقا همه درد داستان ربا و نزول خوری همین است که این انسان‌های بدبخت که خود را آلوده به این گناه عظیم می‌کنند، می‌توانند با اندکی دقت و توجه در رعایت ضوابط دینی، معامله خود را از یک ربای قطعی به یک معامله مشروع تبدیل کنند و هر دو طرف به مقصود خودشان هم برسند. همان‌طور که بسیاری از گنهکاران دیگر هم اگر اهل شقاوت یا جهالت نباشند، می‌توانند اعمال زشت خود را تبدیل به عملی مشروع و حلال کنند.

همه این‌ها به این دلیل است که این گونه امور، ضوابطی شرعی و قانونی هستند که براساس نظر و تشخیص قانون‌گذار محدوده آن‌ها تعیین می‌شود و فاصله رفتار قانونی و غیر قانونی بسیار کم و گاهی میلی‌متری است. مانند آفسادهایی که برخی کمک داورها می‌گیرند و به خاطر همان آفساید میلی‌متری نتیجه یک جام تغییر می‌کند و کسی هم حق اعتراضی ندارد. پس باید دریافت که روح احکام دین تعبد و تسلیم در برابر دستورات الهی است هرچند تفاوت ظاهری حلال و حرام بسیار اندک باشد و اتفاقا همین شباهت ظاهری آزمون مهم سنجش میزان تسلیم بندگان است؛ در نتیجه به قول عبید زاکانی:

مدعا فهم کن پسر جانا !!

یک مشکل اساسی

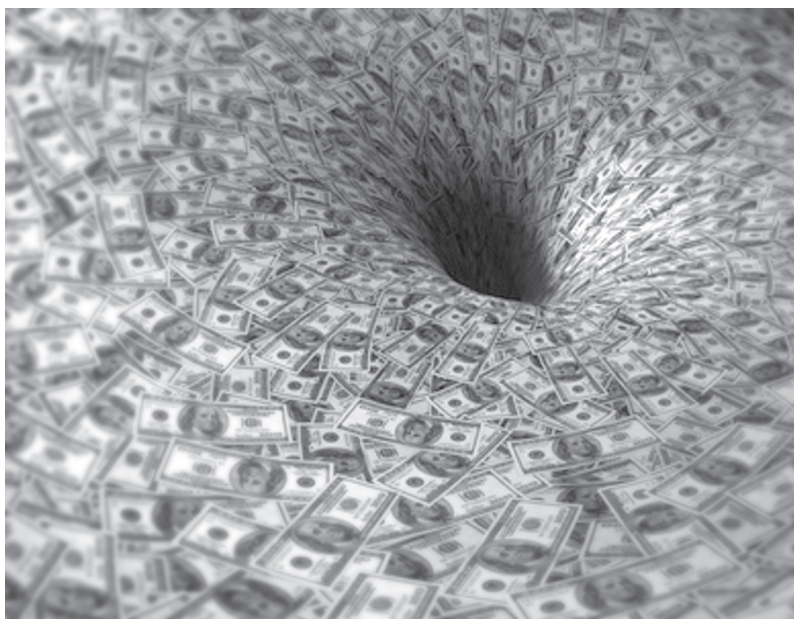
تنها مشکل جدی که در این داستان وام گرفتن باقی می‌ماند، آن است که همه این وام‌ها - به غیر از برخی نهادهای خیریه و مؤسسات خصوصی (کثر الله امثالهم) در بازپرداخت سود دریافت

بانک برای تأخیر در بازپرداخت وام مبلغی اضافه مطالبه می‌کند که این صحت وام را دچار مشکل می‌کند و علیرغم تذکرات مکرر برخی از مراجع و بزرگان، هنوز این قانون نادرست اصلاح نشده است.

البته طبق نظر برخی از مراجع، جریمه دیرکرد در دو فرض می‌تواند صحیح باشد یا این که این شرط در ضمن یک عقد دیگری غیر از قرارداد وام بین بانک و مشتری لحاظ شود و یا این که اصل اخذ دیرکرد به عنوان یک تعزیز و مجازات حکومتی و البته به شکل منصفانه برای فرد خاطی در نظر گرفته شود.

در هر حال اگر در قرارداد وام شما این گونه نبود، چاره این معضل آن است که وقتی از بانک وام گرفتید اصولاً چنین شرطی را نپذیرید و در وقت امضای قرار داد فی‌مابین قصد چنین شرطی را نکنید و در عمل هم هیچ‌گاه تأخیر در پرداخت نداشته باشید که مجبور به پرداخت جریمه دیرکرد نشوید.

اگر هم در خلال پرداخت اقساط گرفتار شدید و چند قسط عقب انداختید و گرفتار جریمه تأخیر شدید، می‌توانید از متصدی بخواهید که فعلاً جریمه را حساب نکند تا در نوبت‌های بعد با پرداخت زودتر از موعد اقساط و پاداش خوش حسایی جریمه تأخیر خود به خود حذف شود و اگر این کار هم شدنی نبود، در نهایت می‌توانید جریمه را نه به عنوان جریمه تأخیر و بر اساس شرط از پیش تعیین شده، بلکه به جهت یک هبه یک‌جانبه به بانک ببخشید یا چنانکه برخی مراجع گفته‌اند به عنوان پولی که اجباری از شما گرفته می‌شود بدهید؛ نه به عنوان عمل به شرط بانک.



هنوز این مشکلات حل نشده است. یکی از این مشکلات طرح‌های مختلف بانک‌ها به جهت تشویق مشتریان برای سپرده‌گذاری بیشتر است. در واقع بانک‌ها در بسیاری از موارد بر اساس قوانین خود وام‌دهی یا میزان سقف وام را مشروط به سپرده‌گذاری مشتریان در محدوده زمانی معین یا در حجم مشخصی از سپرده می‌کنند و در واقع مشتری برای وام گرفتن مجبور می‌شود مبلغ کلانی را تا مدت‌ها در بانک بخواهاند تا بتواند مثلاً دو برابر آن را وام بگیرد.

در برخی از فروض این قانون باز مشکل شرط در قرض پیش می‌آید. یعنی اگر قرض‌دهنده که بانک باشد، قرض دادن خود را مشروط کند که قرض‌گیرنده علاوه بر بازگرداندن اصل پول کاری را برای او انجام دهد، یعنی پول خود را ابتدا در بانک بخواهاند؛ در نتیجه در این فرض باز وام شکل ربوی به خود می‌گیرد و حرام است.

چاره حل این مشکل از نظر برخی از مراجع آن است که شما در قرضی که می‌گیرید به این نکته توجه داشته باشید که سپرده‌گذاری اولیه‌تان به قصد وام گرفتن و اعمال این شرط نباشد، بلکه اصل سپرده‌گذاری برای کمک به قرض گرفتن دیگر نیازمندان و کمک به فعالیت‌های عمرانی بانک باشد و اگر انگیزه‌ای برای وام گرفتن است تنها در حد همان انگیزه باشد نه شرطی که مطالبه‌ای را به دنبال دارد.

در واقع تفاوت «شرط» و «انگیزه» آن است که در «شرط» شما از بانک طلب وام را در موعد مورد نظر می‌کنید، اما در «انگیزه» صرف شما چنین مطالبه‌ای ندارید و اگر بانک به هر دلیل وام ندهد شما حق مطالبه برای خود نمی‌بینید. در این صورت هر وقت نیاز به وام گرفتن داشتید با مراجعه به بانک درخواست وام می‌کنید و بانک هم بر اساس ضوابط خود شما را واجد شرایط می‌بیند و به شما وام می‌دهد.

کو گوش شنوا؟؟

یکی دیگر از مشکلاتی که بانک‌ها در مسأله وام رعایت نمی‌کنند، مسأله جریمه دیرکرد است که باز به نوعی گرفتار شرط در قرض است. یعنی